



Journal of Islamic Management

Journal homepage: www.imj.ihu.ac.ir

Analyzing the successful experiences of implementing the country's deprivation reduction policies with an entrepreneurial approach (Case of study: Employment creation and self-sufficiency policies of the Imam Khomeini Relief Committee

Sina Fereydouni^{*1} | Noor Mohammad Yaghoubi² | Ali Asghar Pour Ezzat³ | Bagher Kord⁴

1. PhD Student, Department of Public Administration, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran
Email: sinafereydooni@gmail.com
2. Professor, Department of Public Administration, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.
Email: nmyaghoubi@gmail.com
3. Professor, Department of Public Administration, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: pourezzat@ut.ac.ir
4. Associate Professor, Department of Public Administration, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.
Email: baqerkord@yahoo.co.uk

Volume info

Vol. 33
Series: 3
Autumn 2025

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
09 January 2023
Revised:
15 December 2024
Accepted:
20 February 2026
Published:
24 February 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234



Abstract

According to many scholars of Islamic public administration, elimination of deprivation is considered one of the supreme goals of Islamic government. In the meantime, the Imam Khomeini (RA) Relief Committee, after more than 40 years since the glorious victory of the Islamic Revolution, has created successful and dense experiences of implementing the policy of deprivation removal in the country. Considering that the main mission of removing the deprivation of the clients through creating self-sufficiency and empowerment is the responsibility of the employment and self-sufficiency deputy of the aforementioned institution, the purpose of the present research is to analyze and conceptualize successful experiences in implementing the policies of the Imam Khomeini Relief Committee's job creation and entrepreneurship. The current research method is based on a qualitative approach and drawn in the framework of the inductive approach. And using the method of qualitative content analysis, documents, reports and expert interviews were conducted with those involved in the field of aid employment. The findings of this research, after analyzing the texts and conducting interviews, and extracting 104 open codes and categorizing the said codes, show that the process of implementing the employment policy of the aid committee has been formed around 9 main actors and these actors have divided the scope of implementation into three. The main pillars of "career guidance", "career guidance" and "support of economic plans" continue until the client reaches full self-sufficiency. And finally, considering that the implementation model of the aid employment policy is a combination of two bottom-up approaches and a community-oriented model; Many missions in the field of employment have been outsourced to charity centers, private institutions and professional entrepreneurs.

Keywords: Implementation of the policy, elimination of deprivation, job creation, successful experiences, Imam Khomeini Relief Committee.

Cite this Paper: Fereydouni'S, Yaghoubi'NM, Pour Ezzat' A & Kord'B. (2026). Analyzing the successful experiences of implementing the country's deprivation reduction policies with an entrepreneurial approach (Case of study: Employment creation and self-sufficiency policies of the Imam Khomeini Relief Committee. *Journal of Islamic Management*. 33(3), 37-73



Publisher:
Imam Hossein University.

The Author(s).





واکاوی تجارب موفق اجرای خط‌مشی‌های محرومیت‌زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی (مورد مطالعه: خط‌مشی‌های اشتغال‌زایی و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره))

سینا فریدونی^{۱*} | نورمحمد یعقوبی^۲ | علی‌اصغر پورعزت^۳ | باقر کرد^۴

Email: sinafereydooni@gmail.com

Email: nm.yaghoubi@gmail.com

Email: pourezzat@ut.ac.ir

Email: baqerkord@yahoo.co.uk

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۳. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه

۴. دانشیار، گروه مدیریت دولتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

* مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رشته مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی دانشگاه سیستان و بلوچستان است.

سال و شماره

سال ۳۳، شماره: ۳

پاییز ۱۴۰۴

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۹/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۲۳۴-۲۶۴۵



چکیده

تبیین الگوی متناسب با انقلاب اسلامی ایران و قابلیت‌های لازم برای تحقق آرمان‌ها و نظام مدیریتی کارآمد به عنوان یک ضرورت می‌باشد که مسلماً با توجه به حاکمیت ارزش‌های اسلامی و حرکت به سوی تحقق تمدن نوین اسلامی لازم است تا الگویی ایرانی اسلامی و منحصر به فرد متناسب با اصول و ارزش‌ها طراحی و تبیین گردد. از این رو این پژوهش که یک پژوهش بنیادی از نوع توصیفی-اکتشافی است، تلاش شده در مطالعات علوم انسانی، الگوی «مدیریت ایرانی اسلامی» را از دیدگاه حکیم فرزانه انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، متناسب با روش‌شناسی تحقیق و اهداف برای مدیران دولتی ارائه نماید. تحقیق، ناظر به شناسایی و معرفی مضامین اصلی رویش یافته از درون داده‌ها با روش تحلیل مضمون و استفاده از مطالعه بیانات مقام معظم رهبری به صورت تمام‌خوانی می‌باشد که بعد از تجزیه و تحلیل فیش‌های استخراج شده ۴۰۱ کد مفهومی باز، ۴۳ مضمون سازمان‌دهنده احصا گردید نتایج نشان داد که ۵ مضمون اصلی «سیاسی» «اجتماعی» «اخلاقی» «سازمانی» و «دینی» به عنوان «الگوی مدیریت اسلامی ایرانی» شکل گرفت.

کلیدواژه‌ها: الگو، انقلاب اسلامی، مدیریت اسلامی، مقام معظم رهبری(ره).

استناد: فریدونی، سینا؛ یعقوبی، نورمحمد؛ پورعزت، علی‌اصغر، کرد، باقر.(۱۴۰۵). واکاوی تجارب موفق اجرای خط‌مشی‌های محرومیت‌زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی(مورد مطالعه: خط‌مشی‌های اشتغال‌زایی و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی(ره))؛ مدیریت اسلامی؛ ۳۳(۳)؛ ۷۳-۳۷.

©
نویسندگان.

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین(ع)



OPEN ACCESS



۱- مقدمه

محرومیت‌زدایی به یک ضرورت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از کشورها تبدیل شده است، حتی در نظام‌های سرمایه‌داری که بر ثروت‌اندوزی تأکید دارند (کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱). در جمهوری اسلامی ایران، محرومیت‌زدایی ریشه در مبانی اعتقادی و ارزشی حاکمیتی دارد و به عنوان یکی از اهداف متعالی حکومت اسلامی مطرح است. با گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، تجارب مترکمی از اجرای خط‌مشی‌های محرومیت‌زدایی در کشور شکل گرفته است. تاریخچه نظریات خط‌مشی‌گذاری به سه دوره کلی تقسیم می‌شود: دهه ۱۹۶۰ با رویکرد های تحلیل خط‌مشی و تحلیل فرآیند خط‌مشی، دهه ۱۹۷۰ با تمرکز بر شکست‌های اجرای خط‌مشی و ظهور رویکردهای بالا به پایین و پایین به بالا، و دهه ۱۹۹۰ با تأکید بر اجرای اجتماع‌محور خط‌مشی (آهنگ، ۱۴۰۰: ۳۳). کمیته امداد امام خمینی (ره) به دستور بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران برای رفع فقر و ایجاد فرصت‌های عادلانه اشتغال تأسیس شد و در اصول قانون اساسی و برنامه‌های توسعه به حمایت از اقشار محروم پرداخته است. معاونت اشتغال و خودکفایی کمیته امداد با هدف ایجاد منابع مالی و برطرف کردن نیازهای اساسی مددجویان، برنامه‌های وسیعی برای توانمندسازی خانواده‌های تحت حمایت و توسعه کارآفرینی اجرا کرده است. اشتغال به عنوان یکی از مسائل پایه‌ای در توانمندسازی مددجویان، در خط‌مشی‌گذاری‌های نوین کمیته امداد مورد توجه قرار گرفته و بیکاری به عنوان عاملی مؤثر در ایجاد آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شناخته می‌شود (غروی نخجوانی، ۱۳۸۱: ۱۷۱). افزایش نرخ بیکاری نشان‌دهنده ناکارآمدی اقتصاد کشور است و راه‌حل‌های رفع بیکاری به حل مشکلات اقتصادی مرتبط است. لذا آنچه مسئله اصلی پژوهش حاضر را شکل داده است، توجه به تجارب موفق کمیته امداد امام خمینی (ره) در اجرای خط‌مشی اشتغال‌زایی از طریق تقویت و پایه‌گذاری نهادهای اجتماعی در تولید کارآفرینان خودکفا؛ بوده است، تا با واکاوی این تجربه‌های موفق به الگویی از اجرای خط‌مشی محرومیت‌زدایی با محوریت اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای سایر نهادهای دولتی، حاکمیتی و انقلابی دست یابد. حال در ادامه به تشریح الگوهای مختلف فوق‌الذکر در اجرای خط‌مشی پرداخته خواهد شد؛ سپس بعد از تجزیه و تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه با خبرگان

اشتغال کمیته امداد و همچنین بررسی گزارشات، اسناد، ماموریت ها، سیاست های ابلاغی حوزه اشتغال و ...، اجرای خط مشی اشتغال کمیته امداد با این الگوها مورد تطبیق و تحلیل در بخش جمع بندی و نتیجه گیری قرار خواهد گرفت و در نهایت الگوی اشتغال کمیته امداد امام خمینی در قالب تشریح مدلی نوین از الگوی فرآیند اجرای خط مشی تشریح و تحلیل خواهد شد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در هر پژوهش علمی، اهتمام و تأکید بر مبانی نظری و الگوهای فکری پیرامون موضوع و مسئله تحقیق، اشراف را برای زوایای مختلف تجزیه و تحلیل یافته ها بالا خواهد برد. با توجه به اینکه هدف هر پژوهش علمی تولید علم، حل مسئله در جهت بهبود شرایط جوامع بشری است؛ شناخت مبانی نظری و الگوهای فکری نظریه پردازان موضوع پژوهش، بر غنای نوآوری اثر پژوهشی خواهد افزود. در واقع باید گفت بدون طی کردن این مسیر، هر پژوهشی ناقص و ابتر خواهد بود. بنابراین در این بخش ضمن ارائه تعاریف و مفاهیم پایه ای حول محور اجرای خط مشی، الگوهای نظری این حوزه تشریح و سپس رویکردهای مختلف سنتی و نوین فقر زدایی مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- اجرای خط مشی

واژه اجرا در فرهنگ لغت استاندارد، به معنای به ثمر رساندن (عباس پور و همکاران، ۱۳۹۶). و تعبیر اجرای خط مشی به معنای اجرای قانون است (افراسیابی و ملکی، ۱۳۹۹). در جدول زیر، به برخی از تعاریف اجرای خط مشی اشاره شده است.

جدول شماره ۱: تعاریف اجرای خط مشی

صاحب نظران	تعریف
پرسمن و	فرایند ایجاد تعامل میان تعیین اهداف در خط مشی ها و اقداماتی که برای تحقق آن ها انجام می شود.
ساباتیه و مازمانیان (۱۹۸۰)	اجرای تصمیم های اساسی خط مشی هایی که معمولاً توسط مقامات سیاسی و برخی از مقامات اداری یا قضایی اتخاذ می شوند

1. Pressman & Wildavsky

نشریات علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

■ واكاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت‌زدایی كشور با رویکرد كارآفرینی

صاحب‌نظران	تعریف
اتوله ^۱ (۱۹۹۵)	آنچه میان نیت‌ها و تصمیم‌های دولت برای انجام دادن یا متوقف ساختن چیزی و پدیدار شدن اثرهای نشئت گرفته از اعمال آن نیت‌ها و تصمیم‌ها انجام می‌شود.
دای (۲۰۰۵)	طراحی فعالیت‌هایی نظیر سازمان‌دهی بخش و اداره‌ها و فراهم کردن امکانات لازم برای به انجام رساندن خط‌مشی‌های تعیین شده
كرفت و فورلانگ (۲۰۰۴)	فراهم کردن منابع نهادی برای عملی کردن برنامه‌ها در قالب بروكراسی

۲-۱-۱. نظریه های اجرا

با توجه به نظریه های گوناگونی که در حوزه اجرا وجود دارد، در یک طبقه‌بندی غالب، نظریه‌های اجرای خط مشی به سه طبقه سنتی، ترکیبی و ابزاری تقسیم گردیده است. نظریه سنتی: در این نظریه، اجرا به عنوان رکن اساسی فرآیند خط مشی تلقی شده و بررسی های درونی اداره خط مشی و نحوه اجرا ملاک و معیار قرار می‌گیرد. بر اساس اینکه محقق در مطالعات خود به کدام گروه از بازیگران خط مشی بیشتر توجه کند دو مدل فرعی از این نظریه منتج می‌شود (دانشفرد، ۱۳۸۸).

مدل بالا به پایین: در این مدل اجرا با رویکرد متمرکز و براساس تصمیمات دولت مرکزی آغاز می‌شود. پرسمن و وایلد اوسکی فرضیه اصلی خود را مبتنی بر این دیدگاه که اهداف اصلی توسط خط مشی گذاران طرح می‌شود بنا نهاده است. این دو مقوله اجرا را به عنوان نقطه اتصال میان اهداف تعیین شده و فعالیت‌هایی که برای رسیدن به این اهداف مورد نظر است، را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. بنابراین در این دیدگاه اجرا فرآیندی است بروکراتیک در جهت تضمین دستیابی به اهداف خط‌مشی‌ها. به همین خاطر می‌بایست منابع مورد نیاز تأمین و سیستمی پاسخگو و دقیق جهت کنترل فعالیت‌های مجریان راه‌اندازی شود (پرسمن و وایلد اوسکی، ۱۹۷۳).

مدل پایین به بالا: این مدل در مقابل مدل بالا به پایین در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰ مطرح شد. جانسون و اوکانر معتقدند به سه دلیل، عرصه خط‌مشی گذاری بالا به پایین دچار شکست برنامه ریزی در بوروکراسی عمومی شده اند: ۱. عدم درک و شناخت مناسب خط‌مشی گذاران

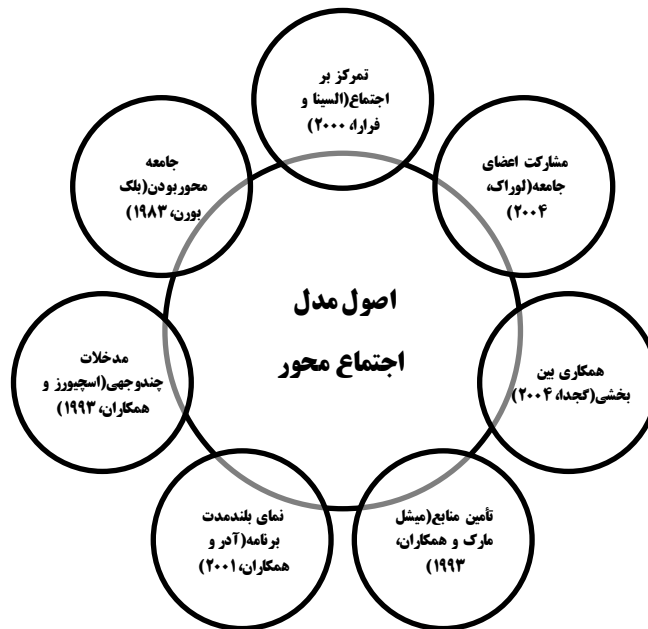
۱. O'Toole



بالادست از اهداف ۲. فقدان منابع یا قابلیت ۳. عدم توافق مناسب در مورد اهداف (جانسون و اکورنور، ۱۹۷۹) اما به طور خلاصه طبق پایین به بالا نقش آفرینان عرصه اداره، افرادی تابع و منتظر فرامین بالادست نیستند؛ بلکه افرادی نقش آفرین در عرصه طراحی و تحلیل اهداف و خط‌مشی‌ها به حساب می‌آیند. (رایس و بوگر، ۲۰۱۰).

مدل اجتماع محور: شکست محسوس رویکرد بالا به پایین در عرصه اداره، منجر به شکل‌گیری علاقه‌مندی‌هایی در جهت تمرکز بر رویکردهای توسعه اجتماعی در بانک جهانی شد. (اسلاومارکر و همکاران، ۲۰۰۵؛ کار و کادل، ۲۰۰۱). این رویکرد، مشارکت عموم جامعه را در عرصه تصمیم‌گیری، مدیریت و توزیع منافع را دنبال می‌کند (جاکویز و همکاران، ۲۰۱۲) و به طور عمده، توسعه سرمایه اجتماعی را هدف خود را قرار داده است. الگوی اجتماع محور، آحاد و اقشار مختلف جامعه را بهترین مدیران، تصمیم‌گیران و مشارکت‌کنندگان فعال در حکومت قلمداد می‌کنند. (نیلسن، ۲۰۰۶). به همین جهت این مدل با دخالت دادن جامعه در عرصه اجرا، مسائل، اهداف و موضوعات تأثیرگذار بر محیط را شناسایی کرده و به طور همه‌جانبه اجرا را رصد و ارزیابی می‌کند. (وین و همکاران، ۲۰۱۸) رویکرد اجتماع محور تمرکز ویژه‌ای به شیوه حل مسئله، فرآیند ایجاد دانش و ایجاد ساختار در یک جامعه را دارد (لی و کل، ۲۰۰۳) و رکن اساسی در این رویکرد نیز مشارکت است (برند، ۲۰۰۷). براین اساس شاید بتوان از طریق مشارکت و توسعه اجتماعی در اجرای خط‌مشی‌ها، به موضوعاتی مانند توانمندسازی پرداخت. دیدگاه‌های زیادی در مورد فرصت و تهدیدات مشارکت در رویکردهای اجتماع محور وجود دارد. در برخی دیدگاه‌ها مشارکت به عنوان وسیله برای تعریف بهتر مسئله در نظر گرفته شده است، در حالیکه در دیدگاه‌های متفاوت دیگری به عنوان یک ارزش ذاتی که اساساً خود یک هدف متعالیست در نظر گرفته می‌شود. (تولایی و علیپور، ۲۰۱۴) اما به طور کلی هدف‌گذاری مبتنی بر جامعه‌انزاری مفید در پاسخگویی به نیازهای کاربران است. در این رویکرد اعضای جامعه به عنوان مصرف‌کنندگان خدمات، اغلب قانونی‌ترین، آگاه‌ترین و مطمئن‌ترین منبع اطلاعاتی در مورد مشکلات و اولویت‌های خودشان هستند (اسلاماگر و همکاران، ۲۰۰۵)

■ واكاوى تجارب موفق اجراى خط مشى هاى محروميت زدائى كشور با رويكرد كارآفرينى



شكل ۱: اصول محورى در مدل اجراى خط مشى اجتماع محور (آهنگ، ۱۴۰۰: ۳۳)

۲-۲- فرآيند محروميت زدائى تا اشتغال زائى

فرآيند محروميت زدائى تا اشتغال زائى به مجموعه اى از اقدامات و سياست ها اطلاق مى شود كه هدف آن كاهش فقر و بهبود شرايط اقتصادى اقشار آسيب پذير جوامع بوده است. اين فرآيند معمولاً با شناسائى نيازهاى اوليه و اساسى جامعه آغاز مى شود و شامل ارائه خدمات پايه اى مانند تأمين مالى آموزش، بهداشت و تأمين مالى خرد است. (يو سفى و همكاران، ۲۰۲۰) در مرحله بعد، با ايجاد فرصت هاى شغلى و حمايت از خوداشتغالى، افراد توانمند مى شوند تا كسب و كارهاى كوچك راه اندازى كنند و به استقلال مالى دست يابند (آخوندزاده و همكاران، ۲۰۱۹). اين رويكرد نه تنها به بهبود وضعيت اقتصادى افراد كمك مى كند، بلكه به كاهش نابرابرى هاى اجتماعى و افزايش مشاركت فعال آن ها در جامعه نيز منجر مى شود (فتحى و حسيني، ۲۰۲۱). در نهايت، با تقويت زير ساخت هاى اقتصادى و اجتماعى، اين فرآيند به ايجاد اشتغال پايدار و توسعه



اقتصادی جامع کمک می کند که نتیجه آن بهبود کیفیت زندگی و ارتقاء شأن و منزلت افراد جامعه خواهد بود (کریمی و همکاران، ۲۰۱۸). در ادامه این فرآیند تشریح خواهد شد.

۲-۲-۱. خط مشی های سستی محرومیت زدایی

این رویکرد خط مشی که از دهه ۱۹۵۰ میلادی آغاز شده، به عنوان نقطه های آغازین در راهبردهای محرومیت زدایی شناخته می شود. رشد و توسعه اقتصادی به عنوان مبنای اصلی این راهبرد، نقش محوری در کاهش فقر دارد و رابطه مستقیمی میان «رشد و توسعه اقتصادی» و «فقر» برقرار می کند. به طور خاص، افزایش سرانه درآمد مردم بر کاهش تعداد فقیران تأثیر گذار است (کریمی و همکاران، ۱۳۸۸). با گذشت زمان، نظریه پردازی ها در این راهبرد از جنبه های اقتصادی به سایر جنبه های توسعه محور مانند آموزش و بهداشت نیز گسترش یافت و بر نقش تأمین خدمات پایه برای فقرا در این زمینه ها تأکید شد. بنابراین، بهبود شرایط اقتصادی جوامع منجر به کاهش متوسط فقر در آمدی و ارتقای دیگر شاخص های رفاهی مانند سطح تحصیلات و بهداشت خواهد شد (کریمی و همکاران، ۱۳۸۸). در این راستا، مرحله اول در طراحی و تدوین خط مشی های محرومیت زدایی، شناخت سیاست ها و نهادهایی است که به رشد اقتصادی پایدار و باثبات منجر می شود.

در ادامه رویکردهای متفاوت دیگری مبنای عمل در حوزه محرومیت زدایی قرار گرفت که علاوه بر هدف رشد فراگیر اقتصادی، سیاست هایی مانند اصلاحات نهادی، قانونی، ساختاری، ظرفیت سازی، توانمندسازی، ایجاد فرصت ها و افزایش امنیت برای فقرا، تهیه و تدارک شبکه های تأمین اجتماعی برای گروه های آسیب پذیر، بهبود حکمرانی و حفاظت از محیط زیست را مورد توجه قرار داد.

۲-۲-۲. خط مشی های توانمندسازی و خودکفایی به مثابه رویکرد نوین محرومیت زدایی

خط مشی های توانمندسازی شغلی و خودکفایی به عنوان یک رویکرد مؤثر در رفع فقر و محرومیت زدایی، بر این اصل استوار است که توانمندسازی افراد به ویژه در اقشار آسیب پذیر، می تواند به بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی آنها منجر شود. این الگو با تأکید بر آموزش

■ واکاوی تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت‌زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی

مهارت‌های شغلی، ارائه تسهیلات مالی و مشاوره‌های تخصصی، به افراد کمک می‌کند تا به استقلال مالی دست یابند و از وابستگی به کمک‌های اجتماعی خارج شوند (Yunus, 2010). به‌علاوه، تحقیقات نشان می‌دهند که این نوع توانمندسازی نه تنها موجب افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود، بلکه به تقویت اعتماد به نفس و خودباوری در افراد نیز منجر می‌گردد (Duflo, 2011 & Banerjee). در این راستا، برنامه‌های اشتغال‌زایی و خودکفایی به‌عنوان ابزارهایی برای ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و کاهش فقر در جوامع هدف، نقش کلیدی ایفا می‌کنند (World Bank, 2013) بر همین اساس در ادامه به الگوهای مختلف اجرای خط‌مشی‌های توانمندسازی و خودکفایی اشاره می‌گردد.

۲-۲-۱. الگوی اجرای خط‌مشی مالیه خرد

خط‌مشی مالیه خرد به‌عنوان یک استراتژی مؤثر در فرآیند محرومیت‌زدایی، به تأمین مالی خدمات برای اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه اختصاص دارد. این رویکرد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به منظور کاهش فقر و افزایش دسترسی به منابع مالی برای افراد محروم، طراحی شده است (میشرا و همکاران، ۲۰۲۰). مالیه خرد با ارائه وام‌های کوچک و تسهیلات مالی به افرادی که به دلیل عدم دسترسی به اعتبار در نظام بانکی، معمولاً نادیده گرفته شده‌اند، به آن‌ها این امکان را می‌دهد که کسب و کارهای کوچک راه‌اندازی کنند و به استقلال مالی دست یابند (کاپور و همکاران، ۲۰۱۸). این سیاست به‌عنوان یک ابزار توانمندسازی اقتصادی عمل می‌کند و به افراد کمک می‌کند تا به بهبود شرایط اقتصادی خود، به تدریج از چرخه فقر خارج شوند.

۲-۲-۲. الگوی اجرای خط‌مشی‌های خوداشتغالی

الگوهای خوداشتغالی به‌عنوان یکی از رویکردهای مؤثر در توانمندسازی شغلی و خودکفایی، به‌ویژه در جوامع آسیب‌پذیر و کم‌درآمد، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. این الگوها به افراد این امکان را می‌دهند که با راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک، به استقلال مالی دست یابند و از وابستگی به کمک‌های اجتماعی خارج شوند (Yunus, 2010). خوداشتغالی نه تنها به ایجاد شغل برای فرد کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی برای دیگران نیز منجر شود و به این ترتیب



نشریه مدیریت اسلامی

به کاهش نرخ بیکاری در جامعه کمک کند (Szerb, 2007 & Acs). تحقیقات نشان می‌دهند که خوداشتغالی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار توانمندسازی اجتماعی عمل کند و به افزایش اعتماد به نفس و خودباوری در افراد کمک کند (Duflo, 2011 & Banerjee). به علاوه، الگوهای خوداشتغالی به افراد این امکان را می‌دهند که مهارت‌های مدیریتی و کارآفرینی خود را توسعه دهند، که این امر به نوبه خود می‌تواند به افزایش پایداری اقتصادی و اجتماعی آنها منجر شود (Kauffman Foundation, 2015). در این راستا، برنامه‌های حمایتی مانند آموزش‌های کارآفرینی، تأمین مالی و مشاوره‌های تخصصی، به‌عنوان عوامل تسهیل‌کننده در موفقیت الگوهای خوداشتغالی شناخته می‌شوند (World Bank, 2013). این برنامه‌ها می‌توانند به افراد کمک کنند تا با چالش‌های مرتبط با راه‌اندازی و مدیریت کسب‌وکارهای خود مواجه شوند و از تجربیات موفق دیگران بهره‌برداری کنند.

۲-۲-۳. الگوی اجرای خط‌مشی‌های کارآفرین محور

در دهه‌های اخیر، توجه به خط‌مشی‌های کارآفرینی به‌عنوان یکی از استراتژی‌های مؤثر در زمینه محرومیت‌زدایی و خودکفایی فقرا افزایش یافته است. این رویکرد به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، به‌عنوان یک ابزار کلیدی برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد کم‌درآمد شناخته شده است (Yunus, 2010). کارآفرینی به معنای ایجاد و مدیریت کسب‌وکارهای جدید به منظور تولید کالا و خدمات است. این فرآیند نه تنها موجب ایجاد شغل می‌شود، بلکه می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی جوامع نیز کمک کند (Schumpeter, 1934). در زمینه فقرا، کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان یک راهکار مؤثر برای خروج از چرخه فقر عمل کند. خط‌مشی‌های کارآفرینی شامل مجموعه‌ای از اقدامات و برنامه‌ها هستند که به منظور حمایت از کارآفرینان و تسهیل فرآیند ایجاد کسب‌وکار طراحی شده‌اند. این خط‌مشی‌ها می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

آموزش و توانمندسازی: آموزش مهارت‌های کسب‌وکار و مدیریت مالی به افراد فقیر،

یکی از مهم‌ترین اقدامات در این زمینه است. تحقیقات نشان می‌دهد که آموزش‌های مرتبط با

■ واکاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی

کارآفرینی می تواند به افزایش اعتماد به نفس و توانایی های مدیریتی افراد کمک کند. (Kauffman Foundation, 2015)

دسترسی به منابع مالی: ایجاد برنامه های تأمین مالی مانند وام های خرد و سرمایه گذاری های اجتماعی، به افراد فقیر کمک می کند تا به منابع مالی لازم برای شروع کسب و کار دسترسی پیدا کنند. (Morduch, 1999)

حمایت های دولتی و سیاست گذاری: دولت ها می توانند با ایجاد محیط های قانونی و اقتصادی مناسب، از کارآفرینی حمایت کنند. این شامل کاهش مالیات ها، تسهیل فرآیند ثبت شرکت ها و ارائه مشوق های مالی است. (Acs & Szerb, 2007)

کارآفرینی می تواند به خود کفایی فقرا از چندین جنبه کمک کند:

ایجاد شغل: با راه اندازی کسب و کارهای جدید، افراد می توانند شغل های جدیدی ایجاد کنند که به کاهش بیکاری در جامعه کمک می کند (World Bank, 2013).

افزایش درآمد: کسب و کارهای موفق می توانند به افزایش درآمد خانواده ها و بهبود کیفیت زندگی آنها منجر شود. (Banerjee & Duflo, 2011)

تقویت جامعه: کارآفرینی می تواند به تقویت حس اجتماع و همکاری در میان افراد کمک کند و به ایجاد شبکه های اجتماعی مثبت منجر شود (Putnam, 2000).

۲-۳- اشتغال و خودکفایی در کمیته امداد امام خمینی (ره)

کمیته امداد امام خمینی (ره) یکی از نهادهایی است که به دستور بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران برای نیل به هدف مذکور در نخستین روزهای پس از انقلاب اسلامی، فعالیت سازمانی خود را به صورت رسمی آغاز نمود. همواره همت بازیگران اصلی خط مشی های محرومیت زدایی در کمیته امداد در کنار تلاش های گسترده برای حمایت از محرومان و تأمین نیازهای اولیه آنان و یا به تعبیر بهتر خروج مددجویان کمیته امداد از نقطه بحرانی، کمک به توانمندسازی محرومان و در نقطه ای ایده آل خودکفایی آنان بود.

لذا معاونت اشتغال و خودکفایی با هدف ایجاد منابع مالی همگام با عدالت اجتماعی و برطرف کردن نیازهای اساسی مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام (ره) با توجه به اهمیت خودکفایی



نشریه مدیریت اسلامی

خانواده‌ها و تحقق تکلیف ماده ۳۹ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه کشور مبنی بر خروج سالانه ۱۰ درصد از مددجویان تحت پوشش نهادهای حمایتی و به منظور افزایش شأن و منزلت مددجویان تحت پوشش، کاهش نرخ بیکاری در میان جامعه مددجویی، افزایش درآمد محرومان برای کاهش فاصله طبقاتی، کمک به اقشار نیازمند و افزایش مناعت طبع خانواده‌ها تشکیل شده و برنامه‌های وسیعی را به منظور توانمندسازی خانواده‌های تحت حمایت با محوریت توسعه کارآفرینی در جهت نیل به این اهداف متعالی پیش‌بینی و اجرایی کرده است. (وبسایت رسمی کمیته امداد امام خمینی (ره))

۲-۴- پیشینه تجربی پژوهش

۲-۴-۱- تحقیقات بومی

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته‌های پژوهش
۱	طراحی و تبیین مدل پارادایمی کارآفرینی اجتماعی با رویکرد توانمندسازی زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی: کمیته امداد امام خمینی (ره) استان فارس)	زارع، حسین؛ صفری، محمد (۱۳۹۸)	نتایج تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌های توانمندساز به عنوان یک پدیده محوری در تعامل با عوامل دیگر، به شکل‌گیری کارآفرینی اجتماعی کمک می‌کنند. همچنین، ظرفیت‌سازی، تقویت جسمی و روانی، و قوانین حمایتی نقش مهمی در ایجاد این سیاست‌ها دارند.
۲	موانع و محدودیت‌های موفقیت طرح‌های خودکفایی و کارآفرینی کمیته امداد امام خمینی (ره)	جلیلیان، نسرین؛ پاپ زن، عبدالحمید (۱۳۹۸)	یافته‌ها نشان می‌دهد که موانع و محدودیت‌های موفقیت طرح‌های اشتغال‌زایی روستاییان در چهار دسته عوامل آموزشی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و حمایت‌های کمیته امداد قرار می‌گیرد.

■ واكاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت‌زدایی كشور با رویکرد كارآفرینی

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته‌های پژوهش
۳	تحلیل اثر وام‌های کمیته امداد امام خمینی بر اشتغال پایدار روستاییان مورد: شهرستان مشهد	عنابستانی، علی اکبر؛ محمودی، حمیده (۱۳۹۸)	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین مدیریت پروژه و اشتغال پایدار رابطه‌ای مستقیم با شدتی قوی وجود دارد. همچنین نتایج همبستگی نشان داد که بین رتبه مدیریت پروژه و رتبه اشتغال پایدار رابطه‌ای مستقیم با شدتی قوی وجود دارد.
۴	طراحی چارچوب نهادی برای شناسایی و انجام کارآفرینانه مأموریت‌های بسیج سازندگی	امامی، سید مجتبی؛ باقری نصرآبادی، محسن (۱۳۹۴)	یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین مدیریت پروژه و اشتغال پایدار رابطه‌ای مستقیم و قوی وجود دارد. همچنین، نتایج همبستگی نشان‌دهنده وجود رابطه‌ای مستقیم و قوی بین رتبه مدیریت پروژه و رتبه اشتغال پایدار است.
۵	بررسی مقایسه‌ای زنان سرپرست خانوار خوداشتغال و زنان سرپرست خانوار دستمزد و حقوق بگیر در نقاط شهری ایران	قوامی؛ هادی (۱۳۸۵)	کم سوادترین زنان سرپرست خانوار بیشترین احتمال خوداشتغال شدن را دارند. با افزایش سطح تحصیلات (کاردانی به کارشناسی) احتمال خوداشتغال شدن زنان سرپرست خانوار کاهش می‌یابد. با افزایش سطح تحصیلات (فوق لیسانس و دکتری) احتمال خوداشتغال شدن زنان سرپرست خانوار افزایش می‌یابد.
۶	خوداشتغالی در مقابل بیکاری (مورد ایران)	قویدل؛ صالح (۱۳۸۷)	طرح سواد بر میزان خوداشتغالی در ایران اثر منفی دارد. این مورد به دلیل بزرگ بودن بخش دولتی و سهل بودن استخدام افراد با تحصیلات بالا در سنجش خدمات عمومی و اجتماعی است. بطوریکه بالاترین درصد شاغلین باسواد در بخش خدمات عمومی و اجتماعی هستند.



۲-۴-۲- تحقیقات بین المللی

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته های پژوهش
۷	آرمان های کارآفرینی و کاهش فقر، به بررسی قشر بستر نهادی در تجارت، کارآفرینی و نوآوری به سوی کاهش فقر	گوئل ۱ و همکاران (۲۰۲۱)	در این پژوهش با ادغام بینش های نظریه نهادی و دیدگاه ذهن گرایانه از کنش کارآفرینانه، یک مدل مفهومی کاهش فقر، در زمینه سخت گیری های نهادی و تضادهای نهادی از طریق تأثیر آنها بر آرزوها ایجاد شده است.
۸	کسب و کار، کارآفرینی و نوآوری در جهت کاهش فقر	سی و همکاران (۲۰۲۱)	آن ها در پژوهش خود اظهار داشتند که به طور کلی از نظر آنان، کارآفرینی ممکن است بخش مهمی از راه حل های کاهش فقر را در سراسر جهان ارائه دهد.
۹	سیاست های کاهش فقر کلیساهای منتخب در ایالت آنامبر نیجریه	دوک ۲ و همکاران (۲۰۲۰)	یافته های این پژوهش نشان می دهد که فقر یک معضل انسانی است که در مدیریت نادرست منابع و سایر اشکال بروز می کند. کلیساهای منتخب در ایالت آنامبرا از طریق همکاری با دولت و سازمان های غیردولتی در برنامه های کاهش فقر، اثرات فقر را کاهش داده اند.
۱۰	تأثیر توسعه کارآفرینی بر کاهش فقر در نیجریه	ایفوما ۳ و همکاران (۲۰۱۸)	یافته ها اینگونه شد که کارآفرینی رشد اقتصادی را تقویت می کند، پیشرفت تحصیلی را افزایش می دهد و نرخ رشد اقتصادی را افزایش می دهد و برای خروج نیجریه از سطح بالای نگران کننده فقر، باید توجه کافی به رشد کارآفرینی شود.

1 Goel

2 Duke

3 Ifeoma

■ واكاي تجارب موفق اجراي خط مشي هاي محروميت زدائي كشور با رويكرد كارآفريني

رديف	عنوان پژوهش	نويسنده	يافته هاي پژوهش
۱۰	افزايش نمايه فقر نيچريه در ميان برنامه هاي كاهش فقر	اوركپو ^۱ و همكاران (۲۰۱۸)	پژوهشگران معتقدند نيچريه پارادوكسي را نشان مي دهد، زيرا اين كشور ثروتمند است اما مردم آن فقيرند. در نتيجه، برنامه هاي متعددي براي كاهش و ريشه كني فقر اجرا شده است، اما شواهد نشان مي دهد كه اين برنامه ها طي سال ها تأثيري بر ذيفعان هدف نداشته اند.
۱۱	كاهش فقر از طريق كارآفريني	ويو ^۲ و همكاران (۲۰۱۸)	پژوهش نشان مي دهد كه تحقيقات درباره كاهش فقر از طريق كارآفريني معمولاً بر كمك هاي خارجي از دولت يا مؤسسات خيريه تأكيد دارند. همچنين، شبكه هاي اجتماعي با ريشه در نوستالژي به عنوان يكي از عوامل تعيين كننده موفقيت طرح هاي كارآفريني براي كاهش فقر پيشنهاد شده اند.
۱۲	سرمايه گذاري زير آتش (بررسی آموزش كارآفريني، ايجاد سرمايه گذاري، و كاهش فقر در مايدوگوري، نيچريه)	كولاده ^۳ (۲۰۱۷)	يافته ها نشان مي دهد كه برنامه EE با ايجاد آگهي و تسهيل توسعه مهارت، به ايجاد سرمايه گذاري جديد، كاهش فقر و تغيير مثبت در طرز فكر كمك مي كند.
۱۳	همكاري به عنوان راهبردي براي فقر زدائي	لارانتিকা ^۴ و همكاران (۲۰۱۷)	نتايج نشان مي دهد كه همكاري در زمينه فقر زدائي در هماهنگي بين واحدهاي كاري دستگه منطقه اي، محدود بوده است. بنا بر اين، نياز به همكاري عميق تر از هماهنگي، آن هم در قالب همكاري بود. تشريك مساعي در قالب همكاري بين احزاب مختلف، مي تواند راهبردي بديع در فقر زدائي باشد.

1. Orakpo
2. Wu
3. Kollade
4. Larantica

نشریه مدیریت اسلامی

ردیف	عنوان پژوهش	نویسنده	یافته های پژوهش
۱۴	توسعه کارآفرینی و کاهش فقر(بررسی تجربی رابطه بین توسعه کارآفرینی و رشد اقتصادی در سومالی)	علی ^۱ و همکاران(۲۰۱۳)	این مطالعه نشان داد که رابطه‌ای مثبت اما ضعیف بین توسعه کارآفرینی و کاهش فقر وجود دارد، اما این رابطه به اندازه‌ای قوی نیست که بتواند فقر را در سومالی از بین ببرد.
۱۵	آیا خوداشتغالی باعث کاهش بیکاری می‌شود؟	آلیرچ ^۲ و همکاران(۲۰۰۶)	در نتایج این پژوهش معتقدند که در هنگام بالارفتن نرخ بیکاری فعالیت های خوداشتغالی افزایش می‌یابد و این امر باعث افزایش فعالیت های کارآفرینی می‌شود و در پی آن میزان بیکاری با یک وقفه کاهش می‌یابد.
۱۶	خوداشتغالی به جای بیکاری	الن دیزمن ^۳ (۲۰۰۳)	نتایج این پژوهش عنوان می‌کند که حدود یک چهارم از مردان جوان حداقل یک بار خوداشتغالی را تجربه کرده اند و بیشتر آن ها دوباره به بخش مزدگیری برگشته اند.

۳- روش پژوهش

روش انتخاب شده برای این انجام این تحقیق تحلیل محتوای کیفی است که در ادامه به صورت مختصر پیرامون این روش بحث خواهد شد:

۳-۱- تعریف روش تحلیل محتوا

یکی از تعاریف اولیه و رایج تحلیل محتوا از برلسون^۴ است. به اعتقاد او در تحلیل محتوا، ویژگی‌های ظاهری یک پیام (متن، مکالمه و...) را به شکل عینی (مستقل از برداشت شخصی محقق) و نظام مند (بر طبق قواعد معین و کمی بر اساس شاخه‌های آماری) توصیف می‌کنند. این

۱. Ali
۲. Alirich
۳. Ellen Diesman
۴. B. Berleson, Op.Cit.

■ واکاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی

تعریف برلسون تعریفی کاملاً کمی از تحلیل محتواست. از نظر گروهی از محققان، صرف محتوای ظاهری پیام چندان ارزشمند نیست و یک پژوهشگر باید استنباط و قضاوت خود را نیز به کار ببرد و محتوای پنهان یک پیام ارتباطی را توصیف و تفسیر کند. به اعتقاد فیلیپ استون تحلیل محتوا روشی است که به گونه عینی و بر اساس قواعد معین، مشخصاتی ویژه از یک پیام را کشف می کند که این تعریف به تحلیل محتوای کیفی نزدیک تر است. (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۷) به طور کلی می توان این روش، مجموعه ای از ابزارها و قواعد برای ارائه یک تحلیل نظام مند و تفسیر متن دانست. (میرینگ، ۲۰۰۴). به طور کلی می توان این روش را به دو مجموعه روش کمی و کیفی نیز تقسیم نمود (پیردافی، ۲۷).

۳-۲- شیوه اجرای روش

با توجه اینکه روش پژوهش حاضر از نوع کیفی به صورت استقرایی است، بعد از بررسی اسناد و مکتوبات حوزه اشتغال کمیته امداد، این نتیجه حاصل شد که مدل اشتغال امداد خود نیازمند مستندسازی از دل بیان تجربیات پراکنده کارشناسان و سیاستگذاران حوزه اشتغال امداد می باشد. لذا به همین منظور با ۱۲ نفر از خبرگان حوزه اشتغال جهت تشریح مدل مذکور مصاحبه به عمل آمد، که در جدول ذیل اسامی خبرگان حوزه اشتغال امداد به عنوان مبنای مصاحبه ها اشاره گردیده است.

جدول شماره ۳: سمت و اسامی خبرگان مصاحبه شونده

ردیف	خبره مصاحبه شونده	سمت
۱	جناب آقای دکتر حجت الله عبدالملکی	معاون سابق اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)
۲	جناب آقای دکتر قاسم رستم پور	مشاور معاون سابق اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره)
۳	جناب آقای خسروانی	مدیر کل ارزشیابی بر طرح های اشتغال کمیته امداد امام خمینی (ره)
۴	جناب آقای فراهانی	کارشناس مسئول اداره ارزشیابی بر طرح های اشتغال کمیته امداد امام خمینی (ره)
۵	جناب آقای دکتر تراهی	مدیرکل سابق کمیته امداد استان هرمزگان
۶	جناب آقای فخاری	معاون اشتغال و خودکفایی کمیته امداد استان هرمزگان
۷	جناب آقای رامشجان	رئیس اداره هدایت شغلی کمیته امداد استان هرمزگان
۸	سرکار خانم دکتر سالاری	کارشناس اداره راهبری شغلی کمیته امداد استان هرمزگان

نشریه مدیریت اسلامی

ردیف	خبیره مصاحبه شونده	سمت
۹	جناب آقای مرادی نسب	مدیرکل اسبق کمیته امداد استان هرمزگان
۱۰	جناب آقای دکتر ناصری	رئیس کمیته امداد شهرستان پارسیان
۱۱	جناب آقای الهادپور	کارشناس اشتغال کمیته امداد شهرستان بندرعباس
۱۲	جناب آقای عقیل سالاری	رئیس کمیته امداد شهرستان فین

سپس با کد گذاری مصاحبه های صورت گرفته، مجموعه ای از مضامین پایه استخراج گردید، که با دسته بندی این کدها، در دو مرحله به ترتیب به مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر احصاء گردید. و در نهایت چهار مضمون فراگیر استخراج شده، پایه های اساسی الگوی اجرای خط مشی اشتغال زایی امداد را در بر گرفت.

۴- یافته های پژوهش

تحلیل یافته های پژوهش حاضر به دلیل اینکه اکتشافی است؛ با بررسی اسناد و گزارشات مستخرج از پژوهش های کمیته امداد امام خمینی (ره) و همچنین مصاحبه نخبگانی با کارشناسان خبره حوزه اشتغال کمیته امداد خمینی (ره) در قالب ۴ مرحله سپری شد.

۴-۱- جمع آوری داده

همانطور که اشاره شد محور جمع آوری داده ها، اسناد و مکتوبات حوزه اشتغال کمیته امداد خمینی (ره) و همچنین مصاحبه های نخبگانی با کارشناسان خبره حوزه مذکور می شود.

اسناد بالادستی مورد بررسی در پژوهش حاضر به شرح ذیل می باشد:

جدول شماره ۴: اسناد بالادستی اشتغال امداد

بندهای ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
سیاست های ابلاغی و منویات رهبر معظم انقلاب در خصوص اشتغال
سند چشم انداز بیست ساله کشور (وژگی های جامعه ایران اسلامی)
بند ۳ از ماده ۶ اساسنامه امداد (وظایف نهاد)
سیاست های اشتغال امداد ابلاغی از سوی هیئت امنا
برنامه پنج ساله ششم توسعه امداد

۴-۲- کد گذاری باز

جدول شماره ۵: نمونه ای از متن و کدباز مصاحبه با خبرگان حوزه اشتغال کمیته امداد امام

خمینی (ره)

کدباز	متن
فلسفه شکل گیری نظامات شغلی جدید امداد	نظام هدایت شغلی از گذشته در خط مشی اشتغال امداد وجود داشته که در طول سال های متمادی به روز تر شده تا رسیده به این طرحی که امروز وجود دارد. اما نظام راهبری شغلی سه سال است که در کشور دارد اتفاق می افتد و شبیه ترین نظام فقر زدایی در اقتصاد جهان مانند کشور چین در حال اتفاق افتادن است، مشابهت زیادی با این طرح دارد. بدین معنا که مردم کاری را با هم تقسیم می کنند تا به ثمر برسد ولی قالب آن قالب استاد و شاگردی است و تا زمانی که شاگرد خود استاد شود؛ این روند ادامه می یابد.
کارآفرینان حرفه ای بازیگر اصلی نظام راهبری شغلی	در فرآیند اجرایی راهبرشغلی، ابتدائاً فردی که به عنوان راهبر شغلی شناخته میشود می بایست به قدری توانمند باشد که به عنوان یک کارآفرین حرفه ای شناخته شده و نیازی به تسهیلات کمیته امداد نداشته باشد. در واقع راهبر شغلی قرار است که به عنوان بازوی کمکی امداد مددجو را به توانمندی های لازم برساند.
کارآفرینان حرفه ای متولی آموزش در میدان واقعی به مددجو	یکی از وظایف اصلی کارآفرین حرفه ای به عنوان راهبرشغلی، آموزشی های کارآفرینی در میدان واقعی به مددجو
راهبر ملاک تشخیص افزایش توانمندی های شغلی مددجو	بعد از اینکه مددجو از راهبر خود آموزش ها را دریافت کرد، و راهبر تشخیص داد که به توانمندی های لازم برای ورود به بازار کار رسیده، اگر فرد نیاز داشته باشه برای کارش تسهیلات دریافت کند، براساس تشخیص کارشناس اشتغال اداره، مواد اولیه و مبلغ محدودی را برای شروع کار به عنوان تسهیلات به مددجو اعطا می کند.
پیشبینی راهبر در تمامی	از جمله مزایای طرح راهبری شغلی این است که تمام محصولات تولید شده توسط مددجو، توسط راهبر خرید تضمینی می شود

نشریه مدیریت اسلامی

کدباز	متن
مراحل زنجیره تأمین	
مراکز نیکوکاری کارآفرینی، عوامل موثر برون سپاری اشتغال امداد	<p>کمیته امداد با راه اندازی مراکز نیکوکاری تخصص محور که رویکرد آن ها کارآفرین محوری است، حوزه های مختلفی مانند آموزش های فنی و حرفه های و مهارت افزایی را با این بازوی کمکی تسریع و تقویت نموده و شاهد هستیم که کارگاه های مهارت افزایی در مساجد و محلات با محوریت مشاغل زودبازده آغاز به کار کرده است.</p>
بازدیدهای کارشناسان فنی اساس کار تسهیلات اعطایی	<p>اساس کار برای مددجویانی که وارد چرخه تسهیلات و کارآفرینی می شوند، بازدیدهای قبل از اجرای طرح شغلی است. کارشناس فنی غیر رسمی یا کارشناسان رسمی ما می روند از طرح فرد بازدید می کنند و از لحاظ موقعیت جغرافیایی، توجیه اقتصادی و طرح را ارزیابی می کنند. سپس در نهایت توسط کارشناس مسئول اشتغال و رئیس اداره و کارشناس فنی جمع بندی صورت می گیرد که آیا طرح توجیه دارد یا خیر؟ بعد از آن بانک های عامل تعیین می شود برای دریافت وام، ضامنین و</p>
برون سپاری امور تصدی گری	<p>کمیته امداد در طراحی های نوین خود در راستای چاپک سازی فرآیند اجرا، ماموریت های محول به حوزه اشتغال و خودکفایی خود را به دو دسته، امور حاکمیتی که شامل اموری است انجام آن مستقیماً برعهده کمیته امداد می باشد و دسته دوم امور تصدی گری است که شامل ماموریت هایست که معاونت اشتغال کمیته امداد با برون سپاری به دنبال سبک کردن بار ماموریتی و بهبود خدمات به مددجویان است.</p>

۴-۳- مضامین سازمان دهنده و فراگیر

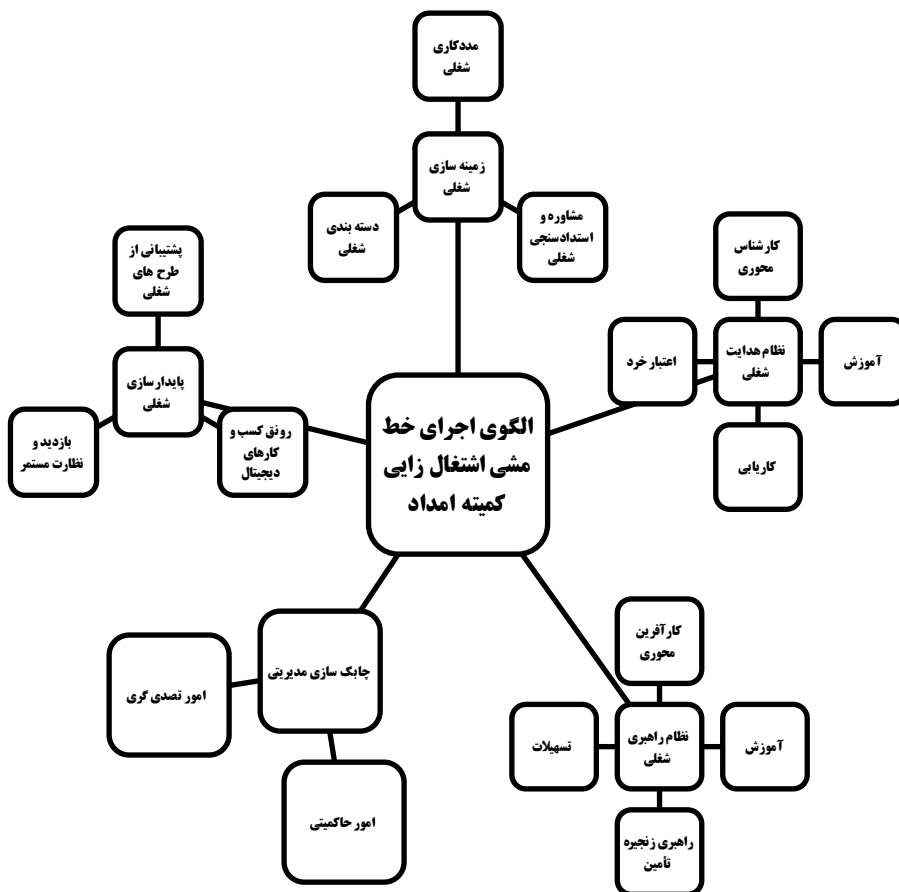
جدول شماره ۶: مضامین اصلی، سازماندهنده و فراگیر

مضامین اصلی	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر
مراجعه به مددکار، معرفی متقاضی به واحد اشتغال، استعدادسنجی ابتدایی توسط مددکار، مددکاری دروازه ورود به حوزه اشتغال	مددکاری شغلی	زمینه سازی شغلی
بازدید از طرح شغلی مددجو، تعیین مسیر شغلی مددجو، مشاور شغلی مددجو، تعیین دسته شغلی	مشاوره و استعدادسنجی شغلی	

■ واكاي تجارب موفق اجراي خط مشي هاي محروميت زدائي كشور با رويكرد كارآفريني

مضامين فراگير	مضامين سازمان دهنده	مضامين اصلي
	دسته بندي شغلي مددجو	مددجو، مشاوره شغلي و استعداد سنجي دريچه ورود مددجو به خدمات مختلف اشتغال امداد
نظام راهبري شغلي	كارآفرين محوري	شناسايي كارآفرينان حرفه اي، آموزش مددجو توسط راهبر، تايمين مواد اوليه مددجو توسط راهبر، خريد تضميني محصولات مددجو، بازيابي محصولات مددجويان، راهبري كارآفرينان حرفه اي اساس كار نظام راهبري شغلي
	آموزش در ميدان واقعي	
	راهبري فرآيند زنجيره تايمين	
نظام هدايت شغلي	كارشناس محوري	بازديدهاي كارشناسان فني اساس كار تسهيلات اعطايي، هدايت نظارت كارشناسان فني اشتغال اساس كار نظام هدايت شغلي، آموزش به عنوان پايه اساسي تمامي نظامات شغلي در امداد، كاريابي به عنوان خط مشي سنتي اشتغال زايي در امداد
	نظارت شغلي	
	آموزش مهارتي	
	كاريابي	
پايدارسازي شغلي	پشتيباني از طرح هاي شغلي	پشتيباني از طرح هاي شغلي مبناي ايجاد و حفظ خودكفايي اقتصادي مددجو، بازديدهاي مستمر قبل، حين و بعد از اجراي طرح هاي شغلي مبناي مراقبت از طرح ها
	بازديدهاي شغلي	
چابك سازي مديريتي	امور حاكميتي	برنامه ريزي، تمهيد و تسهيل گري، ارجاع و پيگيري، نظارت
	امور تصدي گري	مزيت سنجي محلي، نيازسنجي شغلي، مشاوره شغلي، ارزيابي طرح هاي شغلي، آموزش هاي كسب و كار، كاريابي، تايمين مالي، ضمانت تسهيلات، مشاوره فني، بازيابي و فروش، راهبري شغلي

۴-۴- الگوی اجرای خط مشی اشتغال امداد



شکل شماره ۲: الگوی اجرای خط مشی اشتغال امداد

همانطور که در شکل شماره ۲ نمایان است؛ چهار مضمون فراگیر، شکل دهنده الگوی اجرای خط مشی اشتغال زایی کمیته امداد می باشد: ۱. زمینه سازی شغلی ۲. نظام هدایت شغلی ۳. نظام راهبری شغلی ۴. چابک سازی مدیریتی. در ادامه تلاش شده که منطبق هر یک از مضامین فراگیر تشریح شود.

■ واکاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت‌زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی

الف. زمینه سازی شغلی: تجارب گذشته در فرآیند اشتغال امداد نشان داد، که بسیاری از مددجویان آمادگی و توانمندی لازم برای ورود یکباره به عرصه پرتلاطم اشتغال را ندارند. بنابراین نیاز به وجود بستری با هدف زمینه سازی برای ورود مددجو به حوزه اشتغال، در خط‌مشی‌های نوین امداد مورد تاکید قرار گرفت. مصاحبه شماره ۴: «بعد از ارزیابی نگرش های فرهنگی مددجویان نسبت به حوزه اشتغال امداد، به نظر می‌رسید که مددجویان غالباً تحت تأثیر دو عامل رغبت به بهره‌مندی از خدمات اشتغال امداد نشان نمی‌دهند: اول عدم توانمندی لازم برای ورود به حوزه پرتلاطم اشتغال. دوم درک نامشخص و عدم اطمینان از مسیر شغلی پیش رو» مصاحبه شماره ۷: «اشتغال امداد، در الگوی جدید خود با بهره‌گیری از الگوی تریاژ بیمارستان‌ها، تلاش کرد زمینه‌ای را پیش از ورود مددجو به نظام شغلی تعیین شده، برای توانمندسازی اولیه ایجاد کند. همانطور که در بیمارستان‌ها، پرستار بخش تریاژ، یک چکاپ اولیه از بیمار انجام می‌دهد، جهت سیر درمانی بیمار را نیز تعیین می‌کند. به علاوه حتی ممکن است بیمار را با یک معاینه اولیه از ورود به سیر درمانی بعدی منصرف کند.» بر همین اساس نیز در خط‌مشی جدید اشتغال امداد، مددکار، نقش تریاژ را برای مددجوی متقاضی ورود به نظامات شغلی را ایفا می‌کند. بدین صورت که طی یک مشاوره اولیه، اساساً سطح توانمندی‌های مددجو را ارزیابی کرده و سپس با معرفی به شرکت‌های مشاوره شغلی، استعدادسنجی‌های کامل‌تری را جمع‌آوری در نهایت مسیر شغلی او را تعیین می‌کند. بنابراین آنچه کارکرد اصلی زمینه‌سازی شغلی را در کمیته امداد شکل می‌دهد: ۱. مددکاری شغلی ۲. مشاوره شغلی و ۳. دسته‌بندی شغلی می‌باشد.

مددکاری شغلی: اساساً در گاه ورودی هر فردی به محدوده تحت پوشش کمیته امداد، معاونت حمایت‌ها می‌باشد. مصاحبه شماره ۸: «مددکار نیرویی است در ذیل معاونت حمایت‌ها کمیته امداد که از ابتدا در کنار مددجو بوده و تمام پرونده مددجو اعم از معیشت، فرهنگی و ... در اختیار اوست و توانمندی‌های لازم مددجو را کاملاً اشراف داشته و حتی اطلاعات بیشتری نسبت به واقعیت‌های عینی مددجو دارد» مددکار فردی است که تمامی اطلاعات مورد نیاز مددجو اعم از وضعیت سلامت روحی و روانی خود و خانواده، وضعیت معیشت و اقتصادی، وضعیت فرهنگی را در اختیار دارد و برای وی پرونده تشکیل می‌دهد. مصاحبه شماره ۸: «مددکار موظف است که



تشخیص دهد، مددجو نیازمند چه نوع خدماتی است (اعم از اشتغال، حمایت، فرهنگی و ...) و ضمناً چه استعداد و مهارت هایی دارد».

مشاوره شغلی: همانطور که اشاره شد، در گاه ورودی مددجو به کمیته امداد از طریق معاونت حمایت ها صورت می پذیرد و این مددکار است که می بایست به تشخیص برسد که مددجو به کدامیک از خدمات کمیته امداد اعم از مسکن، جهیزیه، سلامت و درمان و ... نیازمند است. حال مددکار در دو حالت مددجو را به واحد اشتغال مربوطه معرفی می نماید: ۱. تقاضای خود مددجو و ارائه طرح شغلی ۲. تشخیص مددکار مبنی بر آمادگی های مهارت شغلی در مددجو. بنابراین شروع فرآیند مشاوره شغلی، پس از تایید اولیه مددکار مبنی بر آمادگی مددجو برای ورود به فرآیند شغلی صورت می پذیرد. مصاحبه شماره ۷: «مشاور با پرسش و پاسخ هایی که انجام می دهد، ابزار و امکاناتی که اون فرد در اختیار دارد را احصا می کند. به عنوان مثال روشن می شود که مددجو یک مغازه دارد ولی آن مغازه مجوز ندارد یا اینکه در خانه خود یک دستگاه چرخ خیاطی دارد ولی خراب شده است و مواردی از این دست».

دسته بندی شغلی: پس از انجام مشاوره و استعدادیابی اولیه از سوی مددکار و ارجاع به واحد اشتغال، این بار واحد اشتغال است که با انجام مشاوره های شغلی خود سعی بر دسته بندی مددجو با هدف تعیین مسیر شغلی وی می باشد. که این دسته بندی به یکی از این چهار حالت، صورت می گیرد: ۱. افرادی که انگیزه ندارند ولی استعداد و ابزار کاری را دارند. ۲. افرادی که انگیزه دارند ولی استعداد را ندارند. ۳. افرادی که هم انگیزه دارند و ابزار کار هم دارند. ۴. افرادی که هیچ کدام را ندارند.

ب. نظام هدایت شغلی: نظام هدایت شغلی، نظامی است مبتنی بر تجارب موفق گذشته اشتغال امداد. مصاحبه شماره ۱: «الگویی کارشناس محور است. در این نظام، کارشناسان خبره اشتغال کمیته امداد امام خمینی (ره) که دارای تجربه، دانش و مهارت های ویژه متناسب با زیست بوم اقتصادی امداد هستند، محوریت طراحی مسیر شغلی متقاضی و هدایت وی در این مسیر را برعهده دارند.» مصاحبه شماره ۷: «در هدایت شغلی صفر تا صد کار با استفاده از کارشناسان فنی که در استخدام کمیته امداد هستند پیش می رود». اما در خط مشی های نوین اشتغال امداد، با به روزرسانی این نظام سعی بر بازطراحی اصول این نظام شغلی صورت گرفته است:

■ واكاي تجارب موفق اجراي خط مشي هاي محروميت زدائي كشور با رويكرد كار آفريني

كار يابي: كار يابي با هدف جستجوي فرصت هاي بكارگيري و استخداام قانوني متقاضيان اشتغال امداد از طريق تعامل با دستگاه ها و نهادها، شهرك هاي صنعتي، پارك هاي علم و فن آوري، شركت ها، اصناف و ساير بنگاه ها در ذيل نظام هدايت شغلي تعريف شده است. اساساً كار يابي براي مددجويي صورت مي گيرد كه علاقه اي به اجراي طرح شغلي ندارد. لذا در اين صورت فرد معرفي مي شود به مشاغل موجودي كه نياز مند نيروي كار باشند.

آموزش: آموزش هاي كسب و كار در سه بخش تعريف و طراحي شده است: بخش اول) آموزش هاي مقدماتي (پيش از تصميم براي ورود به بازار كار) با هدف آشنائي مخاطب با مفاهيم كار آفريني و فرهنگ كسب و كار در اسلام و ترغيب وي به كار و توليد. بخش دوم) آموزش هاي مهارتي (پس از مشاوره و تعيين مسير شغلي) با هدف كسب مهارت هاي فني، حرفه اي و تخصصي لازم براي آغاز كار بخش سوم) آموزش هاي پايدارسازي (پس از اجراي طرح) با هدف آشنائي مجريان طرح هاي اشتغال امداد با آخرين مهارت ها با دستاوردهاي علمي و ارتقا بهره وري و سود آوري طرح. مصاحبه شماره ۱۲: « رويكرد ديگه اي نيز كه در دوره هاي اخير تقويت شده است رويكرد آموزش محور است بدین معنی كه سياست كميته امداد بر اين قرار گرفت كه در تعامل با آموزشگاه هاي مهارتي و فني و حرفه اي هر نوع شغلي را كه مددجو مایل به يادگيري باشد را با برون سپاري به موسسات مذکور به آن ها آموزش دهد».

اعتبار مالي خرد: اساس اعتبار مالي خرد براي آن دسته از مددجوياني است كه ظرفيت يا علاقه مندي براي اجراي يك طرح شغلي مستقل را دارند و براي ايجاد و يا توسعه طرح شغلي خود نياز مند سرمايه اوليه مي باشند. مصاحبه شماره ۷: «مددجويان متقاضی اجرای طرح شغلی یا سرمایه لازم برای شروع کار را ندارد که در اینصورت تسهیلات دریافت می کند. یا مهارت ندارد، که در این صورت یک دوره آموزشی می بیند، سپس برمیگردد به چرخه کار یابی یا تسهیلات» شایان ذکر است، اعتبار مالي خرد در چارچوب هاي مختلف طراح ريزي شده است از جمله: از طريق پرداخت تسهیلات قرض الحسنه، کمک های بلاعوض، مشارکت، تأمین مالی جمعی (شراکت، نیمه انتفاعی، غیر انتفاعی)، فروش اوراق، پيش خريد محصول و ... و از طرفي ضمانت تسهیلات در خصوص افراد فاقد ضمانت با اولويت گروه هاي آسيب پذير (مانند زنان سرپرست خانوار و



دختران بازمانده از ازدواج) با ایجاد صندوق های ضمانت تسهیلات اشتغال و یا بهره گیری از خیرین کارآفرین، جهادگران کارآفرین و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی صورت می پذیرد.

ج. نظام راهبری شغلی: نظام راهبری شغلی، جدیدترین الگوی خط مشی اشتغال امداد می

باشد. تفاوت این نظام با نظام هدایت شغلی در این است که در نظام هدایت شغلی، مددجویانی که توانمندی اولیه برای اجرای طرح شغلی را دارند وارد نظام مذکور خواهند شد، اما اگر تشخیص داده شود که مددجوی متقاضی اجرای طرح شغلی، به تنهایی نمی تواند از عهده اجرای طرح بر بیاید؛ وارد روند راهبری شغلی خواهد شد بدین معنا که براساس نوع علاقه مندی، نوع رشته ای و نوع منطقه ای که قصد اجرای طرح شغلی را دارد، به راهبر شغلی با علاقه مندی مرتبط خود متصل می شود. مصاحبه شماره ۱: «الگویی کارآفرین محور است. راهبر شغلی کارآفرینی حرفه ای است که در یک رشته شغلی خاص دارای سابقه فعالیت موفق و مسلط بر همه حلقه های زنجیره ارزش بوده و به لحاظ تخصصی و عمومی مورد تایید کمیته امداد قرار گرفته است. در این نظام به جای کارشناسان اشتغال، کارآفرینان حرفه ای (راهبران شغلی) در کانون برنامه ریزی قرار گرفته، با توسعه زنجیره ارزش فعالیت خود، فرصت های شغلی جدید و مستقلی برای متقاضیان ایجاد می نمایند و خود راهبری این واحدهای نوپا را طی دوره ای مشخص (حسب تفاهم نامه منعقد شده با امداد و قراردادهای منعقد شده با متقاضیان) تحت نظر همکاران اشتغال امداد برعهده می گیرند. به تعبیری در نظام طراحی عملیات مبتنی بر یک الگوی تعاملی برد - برد بین راهبران شغلی و متقاضیان اشتغال امداد می باشد.» این نظام بر اصول ذیل استوار است:

آموزش: بعد از زمانیکه توانمندی های کارآفرینی یک فرد در سطح حرفه ای مورد تایید

اشتغال امداد قرار گرفت، فرد مذکور به عنوان راهبر شغلی شناخته می شود مصاحبه شماره ۸: «یکی از ملاحظات مهم در اطلاق عنوان راهبر برای یک کارآفرین، این است که کارآفرین به قدری حرفه ای باشد که نیازی به تسهیلات کمیته امداد نداشته باشد.» در واقع راهبر شغلی قرار است که به عنوان بازوی کمکی امداد مددجو را به توانمندی های لازم برساند. لذا بعد از اتصال مددجو به راهبر؛ کارآفرین حرفه ای، آموزش واقعی را در میدان واقعی به مددجو می دهد.

راهبری زنجیره تأمین: راهبر موظف است بعد از اتمام مراحل آموزشی و تایید مددجو

مبنی بر آمادگی برای ورود به طرح شغلی، تمامی مراحل زنجیره تأمین اعم از تأمین مواد اولیه

■ واکاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت‌زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی

مورد نیاز مددجو، خرید تضمینی محصولات مددجو و همچنین ایجاد بسترهای مختلف جهت بازاریابی و فروش محصولات مددجو را فراهم کند. مصاحبه شماره ۸: « معمولاً برای مددجویی که خود تازه وارد بازار کار شده، دیده شدن محصولات برایشان سخت است. یک تدبیر در کمیته امداد این است که راهبر کمک می‌کند تا محصولات آن‌ها در نمایشگاه‌های مختلف دیده شود».

د. پایدار سازی شغلی: در سال‌های گذشته و پس از اجرای صدها هزار طرح شغلی در سراسر کشور، مسئله پایداری طرح‌های شغلی و پشتیبانی‌های حاکمیتی با هدف جلوگیری از ورشکستگی و رکود در حین اجرا، اشتغال امداد را بر آن داشت تا به‌عنوان مسئولیت اجتماعی خود پشتیبانی از طرح‌های شغلی را به‌عنوان پدیده نوظهور اشتغال امداد کلید بزند. مصاحبه شماره ۳: «پایدارسازی از طریق آموزش‌های پایدارسازی، کمک به تامین مواد اولیه و تجهیزات، کمک در بازاریابی و فروش، کمک به بیمه نمودن طرح‌ها، توسعه بیمه اجتماعی مجریان، پرداخت هزینه‌های فنی و تسهیلات تکمیلی و حل سایر مشکلات احتمالی کسب و کار»

ه. چابک سازی مدیریتی: کمیته امداد در طراحی‌های نوین خود در راستای چابک سازی فرآیند اجرا، ماموریت‌های محول به حوزه اشتغال و خودکفایی خود را به دو دسته، امور حاکمیتی که شامل اموری است انجام آن مستقیماً برعهده کمیته امداد می‌باشد و دسته دوم امور تصدی‌گری است که شامل ماموریت‌هایست که معاونت اشتغال کمیته امداد با برون سپاری به دنبال سبک کردن بار ماموریتی و بهبود خدمات به مددجویان است.

امور حاکمیتی: شامل برنامه ریزی (برنامه و بودجه، آمار و سامانه‌ها، منابع انسانی، روابط عمومی)، تمهید و تسهیل‌گری (پژوهش و آمایش، نهادسازی، بهبود فضای کار)، ارجاع و پیگیری (صدور معرفی‌نامه‌ها جهت معرفی به بانک و ضمانت‌های بانکی، پیگیری فرآیند اشتغال، تعامل با عوامل مختلف اشتغال مانند راهبران شغلی، جهادگران کارآفرین و ...)، نظارت (ارزیابی و نظارت برنامه‌ای، نظارت ادواری طرح‌ها)

امور تصدی‌گری: شامل مزیت‌سنجی محلی (شناسایی مزیت‌های تولیدی محلی از طریق مطالعات آمایش سرزمین)، نیازسنجی شغلی (شناسایی فرصت‌های استخدام موجود در منطقه از طریق تعامل با دستگاه‌ها)، مشاوره شغلی (تحلیل شخصیت، استعدادها، علاقه‌مندی‌ها، مهارت‌ها و سوابق شغلی متقاضیان اشتغال امداد)، ارزیابی طرح‌های شغلی (ز چهار بعد فنی، بازار، مالی و



نشریه مدیریت اسلامی

ریسک به منظور تصمیم‌گیری علمی و دقیق در خصوص اجرا یا عدم اجرای آن، آموزش‌های کسب و کار (مورد اشاره در بخش آموزش)، کاریابی (مورد اشاره در بخش کاریابی)، تأمین مالی، ضمانت تسهیلات (در خصوص افراد فاقد ضمانت با اولویت گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان سرپرست خانوار و دختران بازمانده از ازدواج) با ایجاد صندوق‌های ضمانت تسهیلات اشتغال و یا بهره‌گیری از خیرین کارآفرین، جهادگران کارآفرین و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی، مشاوره فنی (در حین تولید یا فعالیت کسب و کار، به منظور پایدارسازی و یا ارتقا بهره‌وری، درآمد و سود طرح)، بازاریابی و فروش (کمک به عرضه محصولات در قفسه‌های فروشگاه‌های فیزیکی، غرفه‌های فروش مجازی، نمایشگاه‌های فصلی و ...)، راهبری شغلی (ارائه بسته جامع خدمات شغلی به صورت منسجم، به هم پیوسته و قابل اتکا به متقاضیان اشتغال امداد شامل: مشاوره و استغداد سنجی، کمک به آموزش و مهارت‌آموزی، کمک به تأمین فضای کسب و کار، کمک به تهیه مواد اولیه و تجهیزات، مشاوره‌های فنی حین تولید، تأمین بازار مطمئن برای محصولات)

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بر مبنای تجزیه و تحلیل یافته‌های صورت گرفته در بخش قبل، به نظر می‌رسد الگوی اجرای خط‌مشی‌های اشتغال‌زایی و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی (ره) به عنوان یک الگوی نظام‌مند برای مقابله با فقر و ارتقاء سطح معیشت اقشار آسیب‌پذیر، بر چهار عنصر کلیدی: نظام هدایت شغلی، زمینه‌سازی شغلی، نظام راهبری شغلی و چابک‌سازی مدیریتی استوار است. حال در این بخش، به بررسی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و چالش‌های هر کدام از این ۴ عنصر پرداخته خواهد شد.

زمینه‌سازی شغلی

نقاط قوت

۱. **شناسایی نیازها و توانمندی‌ها:** نظام زمینه‌سازی شغلی با انجام مشاوره‌های اولیه و ارزیابی توانمندی‌های مددجویان، به شناسایی نیازها و پتانسیل‌های آنها کمک می‌کند. این امر موجب



■ واكاي تجارب موفق اجراي خط مشي هاي محروميت زدائي كشور با رويكرد كارآفريني

مي شود تا مددجويان به طور مؤثرتر به مسيرهاي شغلي متناسب با توانايي هاي خود هدايت شوند.

۲. **كاهش ريسك اشتباه در انتخاب مسير:** با هدايت مددجويان به سمت مسيرهاي شغلي مناسب، خطر اشتباه در انتخاب شغل كاهش مي يابد. اين امر مي تواند به افزايش رضايت شغلي و موفقيت در كسب و كارهاي آينده مددجويان منجر شود.

۳. **پشتياني از تصميم گيري آگاهانه:** مشاوره هاي ارائه شده در اين نظام به مددجويان اين امكان را مي دهد كه با اطلاعات كافي و آگاهي از شرايط بازار كار، تصميمات بهتري در مورد مسير شغلي خود اتخاذ كنند.

۴. **تسهيل فرآيند ورود به بازار كار:** با هدايت مناسب مددجويان به سمت مسيرهاي شغلي متناسب، اين نظام مي تواند به تسهيل فرآيند ورود آنها به بازار كار كمك كند و از اتلاف زمان و منابع جلوگیری کند.

نقاط ضعف

۱. **باركاري زياد مددكاران:** يكي از نقاط ضعف اين نظام، حجم بالاي پرونده هاي مددكاران است. اين باركاري مي تواند به كاهش كيفيت مشاوره ها و توجه به هر مددجو منجر شود و در نتيجه، اثربخشي نظام زمينه سازي شغلي را كاهش دهد.

۲. **عدم تخصص كافي مددكاران:** در برخي موارد، مددكاران ممكن است تخصص كافي در زمينه مشاوره شغلي نداشته باشند. اين مسئله مي تواند به ارائه مشاوره هاي نادرست يا ناكافي منجر شود و در نهايت به عدم موفقيت مددجويان در انتخاب مسير شغلي مناسب منجر شود.

۳. **احتمال هدايت به مسيرهاي راحت تو:** به دليل دلسوزي و نگرش هاي شخصي مددكاران، ممكن است آنها مددجويان را به سمت مسيرهاي راحت تر هدايت كنند. اين امر مي تواند به عدم شناسايي و استفاده از پتانسيل هاي واقعي مددجويان منجر شود.



فرصت‌ها

۱. **گسترش برنامه‌های آموزشی برای مددکاران:** با ارائه آموزش‌های تخصصی و دوره‌های توانمندسازی برای مددکاران، می‌توان کیفیت مشاوره‌های ارائه‌شده را بهبود بخشید و به آنها ابزارهای لازم برای هدایت مؤثر مددجویان را ارائه کرد.
۲. **استفاده از فناوری‌های نوین:** بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، مانند پلتفرم‌های آنلاین برای مشاوره و ارزیابی، می‌تواند به کاهش بار کاری مددکاران و افزایش دسترسی مددجویان به اطلاعات و منابع کمک کند.

چالش‌ها

۱. **تغییرات سریع بازار کار:** تغییرات سریع در بازار کار و نیازهای شغلی می‌تواند به عدم تطابق مشاوره‌های ارائه‌شده با واقعیت‌های بازار منجر شود. این مسئله می‌تواند به کاهش اثربخشی نظام زمینه‌سازی شغلی منجر شود.
۲. **عدم پیگیری و نظارت مستمر:** عدم وجود سیستم‌های پیگیری و نظارت مستمر بر روند پیشرفت مددجویان می‌تواند به عدم شناسایی مشکلات و چالش‌های آنها در مراحل بعدی منجر شود و در نتیجه، اثربخشی نظام زمینه‌سازی شغلی را کاهش دهد.

نظام هدایت شغلی

نقاط قوت

۱. **کارشناسان خبره و تجربه محور:** نظام هدایت شغلی بر اساس تجربه و دانش کارشناسان خبره کمیته امداد طراحی شده است. این کارشناسان با آگاهی از شرایط اقتصادی و نیازهای بازار کار، می‌توانند مشاوره‌های مؤثری به مددجویان ارائه دهند و مسیر شغلی مناسبی برای آنها طراحی کنند.
۲. **تنوع در خدمات آموزش:** نظام هدایت شغلی شامل سه بخش آموزشی است: آموزش‌های مقدماتی، مهارتی و پایدارسازی. این تنوع در آموزش‌ها به مددجویان کمک می‌کند تا با مفاهیم



■ واکاوای تجارب موفق اجرای خط مشی های محرومیت زدایی کشور با رویکرد کارآفرینی

کارآفرینی آشنا شوند، مهارت های لازم را کسب کنند و در نهایت، توانایی های خود را در بازار کار ارتقا دهند.

۳. **تأمین اعتبار مالی خرد:** ارائه اعتبار مالی خرد برای مددجویانی که ظرفیت یا علاقه مندی برای اجرای طرح شغلی دارند، می تواند به آنها کمک کند تا به راحتی کسب و کار خود را راه اندازی کنند. این تسهیلات می تواند شامل انواع مختلفی از تأمین مالی باشد که به نیازهای مختلف مددجویان پاسخ می دهد.

۴. **فرآیند کاریابی:** نظام هدایت شغلی به مددجویانی که علاقه ای به کارآفرینی ندارند، امکان دسترسی به مشاغل موجود در بازار را فراهم می کند. این فرآیند کاریابی می تواند به کاهش بیکاری و افزایش نرخ اشتغال در جامعه کمک کند.

نقاط ضعف

۱. **محدودیت در تأمین اعتبار مالی:** با وجود برنامه های اعتبار مالی خرد، ممکن است محدودیت هایی در تأمین منابع مالی برای مددجویان وجود داشته باشد. این محدودیت ها می تواند به عدم توانایی مددجویان در راه اندازی کسب و کارهای خود منجر شود.

فرصت ها

۱. **گسترش همکاری با نهادهای اقتصادی:** ایجاد همکاری های نزدیک تر با دستگاه ها، نهادها و بنگاه های اقتصادی می تواند به افزایش فرصت های شغلی و بهبود فرآیند کاریابی مددجویان کمک کند. این همکاری ها می توانند شامل تبادل اطلاعات و منابع، و ایجاد شبکه های ارتباطی مؤثر باشند.

۲. **توسعه برنامه های حمایتی:** با توجه به نیازهای خاص گروه های آسیب پذیر، توسعه برنامه های حمایتی و تسهیل گری می تواند به بهبود شرایط زندگی و اشتغال این گروه ها کمک کند. این برنامه ها می توانند شامل مشاوره های تخصصی، حمایت های مالی و آموزشی و تسهیل در دسترسی به بازار کار باشند.



چالش‌ها

۱. **بازگشت به بیکاری:** احتمال تعدیل نیرو بعد از شروع به کار و بیکاری مددجویان ممکن است مددجو را به چرخه قبلی برگرداند.

نظام راهبری شغلی

نقاط قوت

۱. **حمایت آموزشی و مشاوره‌ای:** یکی از نقاط قوت اصلی این نظام، فراهم کردن آموزش‌های تخصصی و مشاوره‌ای برای مددجویان است. کارآفرینان به‌عنوان مربیان، می‌توانند تجربیات خود را به مددجویان منتقل کنند و آنها را در یادگیری مهارت‌های لازم یاری دهند. این امر می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و توانمندی‌های شغلی مددجویان منجر شود.
۲. **تأمین منابع اولیه:** تضمین تأمین مواد اولیه مورد نیاز برای آغاز فعالیت شغلی از سوی کارآفرینان، به مددجویان کمک می‌کند تا بدون نگرانی از هزینه‌های اولیه، کسب و کار خود را راه‌اندازی کنند. این حمایت مالی می‌تواند موانع ورود به بازار کار را کاهش دهد و انگیزه لازم برای شروع فعالیت‌های اقتصادی را فراهم کند.
۳. **تضمین فروش محصولات:** با تضمین خرید محصولات تولیدی مددجویان توسط کارآفرینان، ریسک اقتصادی آنها کاهش می‌یابد. این تضمین می‌تواند به ایجاد اطمینان در مددجویان منجر شود و آنها را تشویق کند تا با اطمینان بیشتری به فعالیت‌های خود ادامه دهند.
۴. **ایجاد شبکه‌های ارتباطی:** این نظام می‌تواند به ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین مددجویان و کارآفرینان منجر شود که به تبادل اطلاعات، تجربیات و فرصت‌های شغلی کمک می‌کند. این شبکه‌ها می‌توانند به مددجویان در یافتن مشتریان و بازارهای جدید کمک کنند.

نقاط ضعف

۱. **تکیه بر کارآفرینان:** یکی از نقاط ضعف این نظام، وابستگی به کارآفرینان و توانایی آنها در ارائه آموزش و حمایت است. اگر کارآفرینی نتواند به خوبی نقش خود را ایفا کند، ممکن است مددجو نتواند به اهداف شغلی خود دست یابد.



■ واكاي تجارب موفق اجراي خط مشي هاي محروميت‌زدايي كشور با رويكرد كارآفريني

۲. **عدم وجود استانداردهاي مشخص:** در برخي موارد، عدم وجود استانداردهاي مشخص براي انتخاب كارآفرينان و ارزيابي عملکرد آنها مي‌تواند به کاهش كيفيت خدمات ارائه‌شده منجر شود. اين مسئله مي‌تواند به نارضائتي مددجويان و کاهش اعتماد به اين نظام منجر شود.
۳. **محدوديت در دسترسي به كارآفرينان:** در برخي مناطق، ممكن است دسترسي به كارآفرينان حرفه‌اي محدود باشد. اين محدوديت مي‌تواند به کاهش فرصت‌هاي يادگيري و رشد براي مددجويان منجر شود.

فرصت‌ها

۱. **گسترش برنامه‌هاي آموزشي:** با توجه به نياز به مهارت‌هاي جديد در بازار كار، گسترش برنامه‌هاي آموزشي و كارآفريني مي‌تواند به افزايش توانمندی‌هاي مددجويان و بهبود نرخ اشتغال منجر شود.
۲. **استفاده از فناوري‌هاي نوين:** بهره‌گيري از فناوري‌هاي نوين در فرآيندهاي آموزشي و مشاوره‌اي مي‌تواند به افزايش كارايي و اثربخشي نظام راهبري شغلي كمك كند. به‌عنوان مثال، استفاده از پلتفرم‌هاي آنلاين براي آموزش و مشاوره مي‌تواند به مددجويان اين امكان را بدهد كه به راحتي به اطلاعات و منابع لازم دسترسي پيدا كنند.

چالش‌ها

۱. **عدم پايبندی كارآفرينان:** كمي از چالش‌هاي اصلي در اين نظام، عدم پايبندی كارآفرينان به تعهدات خود است. اگر كارآفرينان نتوانند به‌طور مؤثر به آموزش و حمايت از مددجويان پردازند، اين امر مي‌تواند به عدم موفقيت مددجويان در كسب و كارهاي خود منجر شود.
۲. **تغييرات بازار:** تغييرات ناگهاني در بازار كار و نيازهاي مصرف‌كنندگان مي‌تواند به عدم تطابق محصولات توليدي مددجويان با تقاضاي بازار منجر شود. اين مسئله مي‌تواند به کاهش فروش و درآمد مددجويان منجر شود.
۳. **موانع فرهنگي و اجتماعي:** برخي از موانع فرهنگي و اجتماعي مي‌تواند به کاهش تمايل مددجويان به كارآفريني و خوداشتغالي منجر شود. اين موانع شامل نگرش‌هاي منفي نسبت به كارآفرينان و يا حس بي‌پناه شدن بعد از خروج از فرآيند مددجويي دانست.

چابک‌سازی مدیریتی نقاط قوت

- ۱. تقسیم وظایف مشخص:** با تفکیک امور حاکمیتی و تصدی‌گری، کمیته امداد می‌تواند بر روی وظایف اصلی خود تمرکز کند و از بار اضافی ماموریت‌ها بکاهد. این تقسیم وظایف می‌تواند به بهبود کارایی و اثربخشی برنامه‌ها کمک کند.
- ۲. برون‌سپاری خدمات:** با برون‌سپاری امور تصدی‌گری، کمیته امداد می‌تواند به بهبود خدمات به مددجویان پردازد. این امر امکان استفاده از تخصص‌های مختلف و کاهش بار کاری داخلی را فراهم می‌کند.
- ۳. شناسایی و استفاده از مزیت‌های محلی:** از طریق مزیت‌سنجی محلی و نیازسنجی شغلی، کمیته امداد می‌تواند فرصت‌های شغلی متناسب با شرایط و نیازهای محلی را شناسایی کند. این رویکرد می‌تواند به افزایش موفقیت طرح‌های اشتغال‌زایی کمک کند.
- ۴. خدمات جامع و منسجم:** ارائه بسته جامع خدمات شغلی به متقاضیان، شامل مشاوره، آموزش، تأمین مالی و بازاریابی، می‌تواند به تسهیل فرآیند اشتغال و افزایش احتمال موفقیت مددجویان کمک کند.
- ۵. توجه به امکان آسیب‌پذیری شغلی مددجویان:** با ایجاد صندوق‌های ضمانت تسهیلات و پذیرش احتمال آسیب‌پذیری مددجویان، کمیته امداد می‌تواند به حمایت از اقشار نیازمند و افزایش شانس آنها برای ورود به بازار کار کمک کند.

نقاط ضعف

- ۱. پیچیدگی فرآیندها:** برون‌سپاری و تقسیم وظایف ممکن است منجر به پیچیدگی در فرآیندها شود. این پیچیدگی می‌تواند به سردرگمی مددجویان و کاهش کیفیت خدمات منجر شود.
- ۲. نیاز به هماهنگی بالا:** اجرای موفق این رویکرد نیازمند هماهنگی مؤثر بین نهادهای مختلف و ذینفعان است. عدم هماهنگی می‌تواند به کاهش کارایی و اثربخشی برنامه‌ها منجر شود.
- ۳. وابستگی به منابع خارجی:** با برون‌سپاری برخی خدمات، کمیته امداد ممکن است به منابع و توانمندی‌های خارجی وابسته شود. این وابستگی می‌تواند در مواقع بحران یا عدم دسترسی به منابع مشکل‌ساز باشد.



■ واكاي تجارب موفق اجراي خط مشي هاي محروميت زدائي كشور با رويكرد كارآفريني

٤. عدم تضمين كيفيت خدمات برون سپاري شده: كيفيت خدمات ارائه شده توسط پيمانكاران و نهادهاي برون سپاري شده ممكن است متغير باشد. اين عدم تضمين كيفيت مي تواند به نارضائتي مددجويان منجر شود.

فرصت ها

- ١. استفاده از فناوري هاي نوين:** به طور كلي كميته امداد مي بايست حكمراني پلت فرم را با توجه به گستره و تنوع خدمات مبناي سازو كارهاي مديريتي نوين خود قرار دهد كه در اين بستر تمام امور حاكميتي و برون سپاري شده در يك بستر قابل رويت و مديريت باشد.
- ٢. گسترش همكاري با بخش خصوصي:** ايجاد همكاري هاي نزديك تر با بخش خصوصي مي تواند به بهبود فرآيندهاي كاريايي و تأمين مالي كمك كند و به مددجويان اين امكان را بدهد كه از فرصت هاي شغلي بيشتر بهره مند شوند.
- ٣. افزايش آگاهي عمومي:** اتبليغات و اطلاع رساني مناسب، مي توان آگاهي عمومي درباره خدمات كميته امداد و فرصت هاي شغلي موجود را افزايش داد و به جذب مددجويان بيشتر كمك كرد.

پيشنهادها

- در پايان به زعم محقق، برخي چالش ها در دل مصاحبه ها و مشاهدات ميداني مشهود است. برخي از اين موارد، به عنوان يكي از نقاط اصلي مورد نياز تمرکز، در ادامه مطرح مي شود:
١. کاهش تعداد پرونده تحت نظر مددكاران شغلي و تمرکز بر كيفيت ارائه خدمات مددكاري به جاي كميت آن ها
 ٢. اجراي طرح مددكاري تخصصي به ويژه در حوزه مددكاري شغلي
 ٣. ايجاد مشوق هايي مادي و معنوي براي ترغيب مددجويان به سمت بهره مندي از خدمات شغلي امداد
 ٤. آموزش و تقويت مهارت هاي اداركي و انساني براي كارشناسان بخش اشتغال
 ٥. توجه به مهارت هاي فني و تخصصي كارشناسان فني اشتغال امداد
 ٦. لزوم تناسب ميزان اعطاي تسهيلات شغلي با طرح شغلي درخواستي



Reference

- Abreu, M., & Grinevich, V. (2013). The nature of academic entrepreneurship in the UK: Widening the focus on entrepreneurial activities. *Research Policy*, 42(2), 408–422.
- Acs, Z. J., & Szerb, L. (2007). The Global Entrepreneurship Index (GEI). *International Entrepreneurship and Management Journal*, 3(4), 417-435.
- Acs, Z. J., Estrin, S., Mickiewicz, T., & Szerb, L. (2018). Entrepreneurship, institutional economics, and economic growth: An ecosystem perspective. *Small Business Economics*, 51(2), 501–514.
- Ahang, Farahnaz. (1400). Doctoral thesis: Presenting a community-based implementation model for anti-drug policies. University of Sistan and Baluchestan, p. 33. [In Persian]
- Akhondzadeh, M., et al. (2019). Analyzing the impact of self-employment on poverty reduction: A case study. *Journal of Economic Research*, 123-145.[In Persian]
- Ali, A., & Yousuf, S. (2019). Social capital and entrepreneurial intention: Empirical evidence from rural community of Pakistan. *Journal of Global Entrepreneurship Research*, 9(64), 1-13.
- Amofah, S. (2021). Indigenous women social entrepreneurship; Poverty alleviation tool used by development NGOs in Ghana. *Athens Journal of Social Sciences*, 8(2), 151-168.
- Banerjee, A., & Duflo, E. (2011). *Poor Economics: A Radical Rethinking of the Way to Fight Global Poverty*. PublicAffairs.
- Beatriz, A., & Labie, M. (2011). *The Handbook of Microfinance*. World Scientific Publishing Co. Pte. Ltd.
- Bhalla, S. S., Bhasin, K., & Virmani, A. (2022). Pandemic, poverty, and inequality: Evidence from India. International Monetary Fund, Office of the Executive Director India, Bangladesh, Bhutan and Sri Lanka.
- Bosma, N., Sanders, M., & Stam, E. (2018). Institutions, entrepreneurship, and economic growth in Europe. *Small Business Economics*, 51(2), 483–499.
- Cao, Z., & Shi, X. (2021). A systematic literature review of entrepreneurial ecosystems in advanced and emerging economies. *Small Business Economics*, 57(1), 75-110.
- Charmaz, K., & Bryant, A. (2008). Grounded theory. In L. M. Given (Ed.), *The SAGE Encyclopedia of Qualitative Research Methods* (pp. 374-377). Sage Publications.
- Chen, Y., & Zhou, X. (2017). Entrepreneurial self-efficacy and firms' innovation behavior: The negative mediating role of social capital. *Social Behavior and Personality: An International Journal*, 45(9), 1553–1562.
- Cheraghi, Hojjatollah; Cheraghi, Asadollah; Pourafkari, Nasrollah. (2014). Investigating the effect of self-employment loans on the sustainable employment of the beneficiaries of Imam Khomeini Relief Committee (RA) in Abdanan County. *Quarterly Journal of Social Development*, Winter, 203-216. [In Persian]
- Corbin, J. M., & Strauss, A. L. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage Publications.
- Creswell, J. W. (2003). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. Sage Publications.
- Daneshfard, Karamollah. (1400). *The Public Policy Making Process*. Tehran: Saffar Publications. [In Persian]
- Fathali, Mohammad Reza. (2011). Entrepreneurship (definitions, theories, models). Available at: <http://www.fathali63.blogfa.com>. [In Persian]



■ واكاوى تجارب موفق اجراى خط مشى هاى محروميت‌زدايى كشور با رويكرد كارآفريني

- Fathi, Amin and Hosseini, Mirza Hassan. (2017). Explaining Entrepreneurship from an Islamic Perspective with Emphasis on the Quran and Hadiths. The Third National Conference on Applied Research in Management, Economics and Accounting Sciences of Iran, November 10, 2017, Soroush Hekmat Mortazavi Islamic Studies and Research Center, Qom: Iran. [In Persian]
- Fathi, M., and Hosseini, R. (2012). Poverty Alleviation and Sustainable Development: Challenges and Solutions. *Journal of Social Development*, 112-89. [In Persian]
- Gharavi Nakhjavani, Seyed Ahmad. (2002). Unemployment Crisis in the Iranian Economy. *Economic Research Journal*, Autumn, 171. [In Persian]
- Glaser, B. G. (1978). *Theoretical sensitivity: Advances in the methodology of grounded theory*. Sociology Press.
- Glaser, B. G., & Strauss, A. L. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research*. Aldine Publishing Company.
- Gupta, D. (2014). The impact of micro finance on rural households and its role in rural development and poverty alleviation: Analysis of north eastern villages of U.P, India. *International Journal of Management (IJM)*, 5(4), 145-151.
- Hosseini, R., et al. (2019). The Role of Microfinance in Women's Economic Empowerment: A Case Study. *Journal of Social Research*, 215-230. [In Persian]
- Iman, Mohammad Taqi; Noshadi, Mahmoud Reza. (2011). Qualitative Content Analysis, Research Quality in the Humanities. Winter, 19. [In Persian]
- Kapoor, S., et al. (2018). Microfinance and Sustainable Development: Challenges and Opportunities. *Economic Development Quarterly*, 120 101. [In Persian]
- Karbasi, Alireza, Eshani Ashari, Hajar, Aqel, Hassan. (2008). Forecasting Employment in the Agricultural Sector in Iran. *Journal of Economics in Agricultural Development (Agricultural Sciences and Industries)*, 31. [In Persian]
- Karimi, Mozaffar; Riyat, Mohsen; Mousavi Khataata, Mohammad. (2009). Investigating the status of self-employment projects for beneficiaries of the Imam Khomeini Relief Committee (RA) during the years 2001-2007. Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian]
- Karimi, S., et al. (2018). The role of social policies in promoting sustainable employment. *Social Welfare Quarterly*, 45-67. [In Persian]
- Kauffman Foundation. (2015). *The Kauffman Index of Entrepreneurial Activity*.
- Lee, J. (2001). A grounded theory: Integration and internalization in ERP adoption and use. s.n.
- Mayring, P. (2000). Qualitative content analysis. *Qualitative Social Research*.
- Mishra, A. et al. (2020). Analyzing the impact of microfinance on poverty reduction: Evidence from developing countries. *Journal of Social Development*, 60-45. [In Persian]
- Mohammad Nasir, N. S., & Shahrul Ifwat, M. (2021). Replacing conventional finance with Islamic: A wisdom from the Qur'an. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 11(11), 1-16.
- Morduch, J. (1999). The microfinance promise. *Journal of Economic Literature*, 37(4), 1569-1614.
- Nahid, Mojtaba. (2009). What and why of entrepreneurship and organizational entrepreneurship at a glance. *Business Studies*, (1)34, 39-58. [In Persian]
- Pirbadaghi, Fatemeh. (2010). *Qualitative Content Analysis and Its Application in Media*. Tehran: Psychology Department, Islamic Republic of Iran Radio and Television Research Center. [In Persian]
- Prasetyo, P. E., & Kistanti, N. R. (2020). Human capital, institutional economics and entrepreneurship as a driver for quality & sustainable economic growth. *Entrepreneurship and Sustainability Issues*, 7(4), 2575.



نشریه مدیریت اسلامی

- Pressman, J., & Wildavsky, A. (1973). *Implementation*. University of California Press.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. Simon & Schuster.
- Sabatier, P., & Mazmanian, D. (1980). Symposium on successful policy implementation. *Policy Studies Journal*, 8, 531.
- Sarsah, S. A., Tian, H., Dogbe, C. S. K., Bamfo, B. A., & Pomegbe, W. W. K. (2020). Effect of entrepreneurial orientation on radical innovation performance among manufacturing SMEs: The mediating role of absorptive capacity. *Journal of Strategy and Management*, 13(4), 551-570.
- Schumpeter, J. A. (1934). *The Theory of Economic Development: An Inquiry into Profits, Capital, Credit, Interest, and the Business Cycle*. Harvard University Press.
- Stevanovic, M. (2016). The role of financial perspective of entrepreneurship and rural. *Social and Behavioral Sciences*, 4(3), 254-261.
- Strauss, A. L. (1987). *Qualitative analysis in social research: Grounded theory methodology*. Fernuniv.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (1991). *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Sage Publications.
- Urbano, D., & Aparicio, S. (2016). Entrepreneurship capital types and economic growth: International evidence. *Technological Forecasting and Social Change*, 102, 34-44.
- World Bank. (2013). *World Development Report 2013: Jobs*. World Bank Publications.
- Yousefi, N., et al. (2020). Social Needs Analysis in the Process of Eliminating Deprivation. *Journal of Social Sciences*, 320-301. [In Persian]
- Yunus, M. (2010). *Building Social Business: The New Kind of Capitalism that Serves Humanity's Most Pressing Needs*. PublicAffairs.

